

## کمک های مالی

هیئت مدیره کلیسای ما، در جلسه آخر، از من خواست که درباره ی موضوع اهدا کردن پول به کلیسا صحبت کنم. به این دلیل امروز به ویژه در مورد این موضوع است.

اول یک مقایسه کوچک: شاید زندگی در انجمن کلیسا شبیه بازی ورق باشد. در یک بازی ورق چند نفر دور هم جمع می شوند و شروع به بازی می کنند. در بین شرکت کنندگان عده ای هستند که قوانین را به خوبی می دانند و برخی دیگر اصلاً آن را نمی دانند. گروه دوم در ابتدا فقط می خواهند تماشا کنند تا بازی را بفهمند و بعد تصمیم بگیرند که آیا می خواهند بازی کنند یا نه. در جامعه ما هم همینطور است. افرادی هستند که با تلاش های زیادی متعهد هستند. دیگران فقط می خواهند در ابتدا شرکت کنند و بعد تصمیم بگیرند چه کاری کنند. هنگام بازی ورق ممکن است شرایطی پیش بیاید که هیچ کس مطمئن نباشد که قانون بازی ورق باید چه باشد. در چنین لحظاتی، کسی که می داند چه کاری می کند، نگاهی به قوانین می اندازد، شرایط را توضیح می دهد و بازی می تواند ادامه یابد. در کلیسا به همین صورت است: ما از همه کسانی که می خواهند شرکت کنند استقبال می کنیم. اما در اینجا نیز موقعیت هایی به وجود می آید که نامشخص هستند و سؤالاتی را ایجاد می کنند. در برخی موارد باید چگونه رفتار کنیم؟ چه چیزی درست است و چه چیزی نادرست؟ مردم در مورد اهدا کردن پول به کلیسا سؤالات مشابهی می پرسند: چقدر باید بدهم؟ آیا آن یک دهم است که در بعضی جاها در کتاب مقدس توضیح داده شده است؟ یا باید مبلغی برابر با مالیات کلیسا که معمولاً در کلیسا های دیگر از حقوق اعضا کم می شود، پرداخت کنم. (کلیسای ما مستقل است به این دلیل چنین مبلغی از حقوق اعضا کم نمی شود.) این مبلغ حدود ۳ درصد از حقوق است.

قبل از اینکه به طور خاص در مورد موضوع اهدا کردن صحبت کنیم، به نظر من مهم است که ابتدا به طور کلی درباره ی موضوع مالکیت خصوصی فکر کنیم.

دو نگرش بسیار متفاوت نسبت به مالکیت در تاریخ وجود دارد. اولین نگرش این است که اگر ثروتمند باشید نمی توانید یک مسیحی واقعی باشید. این دیدگاه اساساً ثروت را به عنوان یک مشکل می داند. این بر اساس دستورات عیسی به شاگردانش است که گفته بود فقط آنچه را که نیاز دارند با خود ببرند. آنها تنها برای امروز زندگی می کردند. فرانسویس آسیزی و مادر ترزا از این الگو پیروی می کردند و زندگی ساده ای داشتند و در عین حال هر آنچه داشتند را به فقرا می دادند. در مقابل، کلیساهایی وجود دارند که دقیقاً خلاف این ادعا را دارند. بر اساس نظریه آنها، خداوند می خواهد به ما مال زیاد عطا کند و کسانی که ایمان داشته باشند و به اندازه کافی دعا کنند، این نعمت را در یافت می کنند. در این دیدگاه، فقر به عنوان نشانه ای از ایمان ضعیف درک می شود.

هر دو دیدگاه افراطی است. ما نیازی به بررسی آن دیدگاه که مسیحیان باید از طریق دعا ثروتمند شوند نداریم، زیرا این به ندرت در آلمان وجود دارد. همانطور که در کتاب مقدس چنین چیزی وجود ندارد. هیچ دستوری نیز وجود ندارد که فرد اصلاً مجاز به داشتن اموال نیست. کتاب مقدس نمونه های بسیاری از افراد ثروتمند را ذکر می کند. به عنوان مثال پادشاه سلیمان ثروتمندترین پادشاه زمان خود بود. همچنین در عهد جدید افراد ثروتمندی مانند فیلمون وجود دارند که پولس به او نامه نوشت. با این وجود، عهد جدید نگرشی دوپهلوی نسبت به ثروت نشان می دهد. در مرقس ۱۰، ۲۳ عیسی به اطراف خود نگاه کرد و به شاگردان خود گفت: "چقدر سخت است که ثروتمندان وارد ملکوت خدا شوند!" عیسی داشتن مال را ممنوع نمی

دانست، اما او تأکید می کرد که فرد ثروتمند "مشکل" خواهد داشت. در مثل افتادن دانه در میان خارها، عیسی ثروت را چیزی توصیف می کند که می تواند کلام خدا را خفه کند. خداوند ثروت را محکوم نمی کند. اما باید آنرا مانند هر چیز دیگری در دنیا تابع فرمان اول کرد «خدا را بیش از هر چیزی دوست بداریم و به او اعتماد کنیم.» دارایی های ما همانطور که در داستا آفرینش توضیح داده شده است مسئولیتی هستند که ما باید آنرا اداره کنیم. ما مدیر این امر به نفع مردم و خلقت هستیم. در متی ۶، ۲، عیسی به ما راهنمایی های بیشتری می دهد که چگونه باید به عنوان مباشر هدیه خدا عمل کنیم:

'«پس هنگامی که صدقه می دهی، جار مزه چنانکه ریاکاران در کنیسه ها و کوچه ها می کنند تا مردم آنها را بستایند. آمین، به شما می گویم، اینان پاداش خود را به تمامی یافته اند.» متی ۶، ۲

اگر بتوانیم به مثال اولیه خود در بازی ورق برگردیم، جایی که قوانین بازی ورق وجود دارد، باید بگویم که در موضوع اهدا کردن اولین قانون برای صدقه دادن این است که باید به صورت مخفیانه و خصوصی انجام شود. این امر روشن می کند که اهدا کردن پول به کلیسا یک امر شخصی است که هر فردی باید آنرا از خدا در یافت کند. با این حال این بدان معنا نیست که ما دیگر نمی توانیم یا نباید در مورد اهدا کردن به کلیسا صحبت کنیم. به خصوص در این زمینه متوجه می شوم که بسیاری از مردم دودل هستند. شاید دقیقاً به این دلیل است که ما به اندازه کافی در مورد آن صحبت نمی کنیم: برخی از مردم سؤالات بسیار کاربردی دارند: آیا بهتر است به طور مستقیم به فقرا در محل کمک کنیم یا به کمک رسانی بزرگی که در مناطق بحرانی یا در جنگ و قحطی فعال هستند؟ دیگران می خواهند بدانند معیار کمک ها چیست: مالیات قانونی کلیسا یا یک دهم نوشته شده در کتاب مقدس؟

پولس رسول در نامه اول خود به کلیسای قرنتس دقیقاً به این سؤالات می پردازد. پولس در اول قرن تیز ۱۶، ۱ می گوید: و اما در خصوص جمع آوری هدایا برای مقدسین: شما نیز آنچه را که به کلیساهای غلطیه گفته ام، انجام دهید. روز اول هر هفته، هر یک از شما به فراخور درآمد خود پولی کنار گذاشته، پس انداز کند، تا به هنگام آمدنم نزد شما، لزومی به جمع آوری هدایا نباشد.

اولین پاسخی که پولس رسول به ما می دهد این است: ما باید در جایی که لازم است ببخشیم. با این حال برای بسیاری، این بیانیه می تواند طاقت فرسا باشد، زیرا نیاز در همه جا بسیار زیاد است: جنگ، بلایای طبیعی - نیازها تقریباً بی مرز هستند. آسان است که هدف واقعی را از دست دهیم. همچنین فرصت‌های اهدای زیادی در کلیسای ما وجود دارند: پروژه‌های ساخت کلیسا، مأموریت‌ها، دباکونیا، خزانه کلیسا، کمک‌های مالی به خزانه‌داری جامعه ما - همه راه‌هایی هستند که باید در سکوت طی شوند. اما چه باید کرد؟ ما نمی‌توانیم به همه کمک کنیم. پول خود را به چه کسی اهدا کنیم؟ ما باید اولویت تعیین کنیم. معیار مسئولیت شخصی است که خداوند بر دوش ما گذاشته است. پولس در نامه خود به قرنتیان دقیقاً به این دو نکته اشاره می‌کند.

وضعیت به شرح زیر بود: «جامعه مادر» در اورشلیم در مشکل اقتصادی بود. به همین دلیل پولس مجموعه ای را سازماندهی کرد. برای او این مسئله همبستگی با خواهران و برادران در اورشلیم بود. کلیسای قرینت نمی‌توانست نسبت به مشکلات مسیحیان دیگر که در خطر بودند بی‌تفاوت باشد. به هر حال آنها با هم یک بدن را تشکیل می‌دادند. پولس موضوع را شخصی می‌کند. او ارتباط بین مسیحیان اورشلیم و قرینت را به آنها یادآوری می‌کند و شخصاً می‌خواهد که آنها را حمایت کند. من می‌خواهم به مثال بازی ورق برگردم. وقتی با چند دوست بازی ورق را شروع می‌کنم، ابتدا روی این افراد تمرکز می‌کنم و با آنها رابطه برقرار می‌کنم. به همین دلیل از قوانین این بازی ورق پیروی می‌کنم و به افرادی که با آنها در ارتباط هستم پایبند می‌مانم. این اصول در کلیسا نیز صادق است. وقتی به کلیسا می‌روم، وارد یک رابطه می‌شوم. من در یک بدن و یک انجمن مسیح با این مردم شریک هستم و با آنها به عنوان یک بدن مسیح زندگی می‌کنم. این هم به این معنی است که من مسئولیت این افراد را بر عهده می‌گیرم. اگر کسی نیاز به کمک دارد برایش دعا می‌کنم. وقتی کسی در بحران است، سعی می‌کنم در حد توان کمک کنم. در واقع، کلیسای ما بر اساس همین همبستگی ساخته شده است. در SELK کلیسای مستقل لوطریان جماعت‌هایی وجود دارند که بیش از دو برابر مقدار لازم را به خزانه کلیسای ما پردازند زیرا می‌دانند که از جماعت فقیرتر حمایت می‌کنند. هر جامعه ای خودش تصمیم می‌گیرد که چقدر می‌تواند کمک کند. جماعت ما کمتر از مبلغ که لازم است، می‌پردازد و بنابراین از سایر جماعت‌ها حمایت می‌شود تا کار در اینجا ادامه یابد. اما کلیسا فقط می‌تواند به اندازه ای که توسط اعضای کلیسا جمع‌آوری شده است کمک کند. به همین دلیل همه چیز از هر فرد شروع می‌شود. هر عضو کلیسا، به عنوان صاحب هدایای خوب خدا، که در زندگی دریافت کرده است، باید تصمیم بگیرد که با این پول چه کند. اگر مقداری از این پول به خزانه کلیسا برود، جماعت می‌تواند تصمیم بگیرد که چه مقدار از آن به خزانه کلیسای منتقل شود. در جلسه انجمن ما در فوریه سال جاری، تصمیم گرفته شد که کمک به خزانه عمومی کلیسا افزایش یابد. متأسفانه تاکنون کمتر از مقدار مورد انتظار و تصمیم‌گیری شده جمع‌آوری شده است، بنابراین خزانه کلیسا در حال حاضر کسری دارد. بنابراین می‌توان گفت که ما در حال حاضر در شرایط اضطراری هستیم.

بنابراین، این موعظه باید فراخوانی باشد که همه ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد: تجدید نظر کنیم که کلیسای ما چقدر برای ما ارزش دارد و چقدر می‌خواهیم و می‌توانیم برای آن کنار بگذاریم. قابل توجه است که پولس در اینجا هیچ دستوری ارائه نمی‌دهد - او مقدار یا درصد خاصی را نام نمی‌برد. هر کس می‌تواند خودش تصمیم بگیرد که چه مقدار پول خصوصی خود را می‌خواهد برای کلیسا کنار بگذارد.

پولس فقط می‌گوید: «به فراخور درآمد خود.» هر کس باید با دانش و وجدان خود با مشورت خدا تصمیم بگیرد.

این تنها پاسخ صادقانه ای است که می‌توانم بدهم: "تا می‌توانی ببخش!"

با این حال پولس رسول فقط به جمع‌آوری پول دعوت نمی‌کند، بلکه چگونگی اهدای پول را نیز ارائه می‌دهد. او می‌گوید: روز اول هر هفته، هر یک از شما به فراخور درآمد خود پولی کنار بگذارید.

اهدا کردن داوطلبانه است. اگرچه پولس این کار را تبلیغ می‌کند، بر هدف آن تأکید می‌کند و مسئولیتی را که مسیحیان در برابر یکدیگر دارند نشان می‌دهد، اما او کسی را مجبور نمی‌کند. اجبار نیز در اینجا کاملاً نامناسب خواهد بود، زیرا اهدا کردن با رابطه ما با خدا ارتباط دارد. و شما نمی‌توانید فرد را به آن مجبور کنید. با اهدا کردن اعتراف می‌کنیم که خداوند صاحب تمام دارایی‌های ما است - و این کار را نمی‌تواند تحت فشار یا اجبار انجام داد.

با این حال پولس اشاره دیگری به ما می‌کند: ما باید به طور منظم اهدا کنیم. مسیحیان در قرنت باید کمک‌های خود را در اولین روز هفته کنار می‌گذاشتند، نه در پایان هفته که دستمزدها تقریباً تمام شده بود. پولس کلیسا را به چالش می‌کشد تا در ابتدا در نظر بگیرد که هر فرد چه چیزی می‌تواند بدهد و آن مبلغ را کنار بگذارد. امروز احتمالاً می‌گوید: «بهتر است یک دستور ثابت تنظیم کنید!»

با این حال برای برخی از اعضای کلیسای ما، گفتن این موضوع آسان‌تر از انجام آن است. بسیاری از آنها پناهجو هستند و دیگر پول نقد دریافت نمی‌کنند و فقط کارت خرید دریافت می‌کنند. شما نمی‌توانید از این کارت به کلیسا پول انتقال دهید، بلکه فقط می‌توانید چیزهایی را خریداری کنید که بخشی از هزینه‌های زندگی شما هستند. این افراد توانایی کمی برای اهدا دارند. کسانی که در چنین موقعیتی قرار دارند در عوض می‌توانند به روش‌های دیگری مانند کمک عملی یا مشارکت شخصی در جامعه کمک کنند.

برای پولس واضح است: کمک‌های مالی ما را فقیرتر نمی‌کند. اهدا کردن تمرین ایمان است - رها کردن برای دریافت کردن است. خدا کسی است که هر دو را از طریق روح خود انجام می‌دهد: باز کردن دست‌ها برای دادن هدیه است. کسانی که رها می‌کنند دستشان برای دریافت عطایای خدا نیز باز است و برای کارهای خدا آماده هستند. آمین